

## درةالتاج شیرازی و شرح شرفیه

در جریان مطالعه و بررسی متن کتاب مقاصدالالحان عبدالقادر مراغی در باب خامس به مطلب جالبی برخورد کرده‌ایم. مراغی می‌گوید:

سلطان‌العلما مولانا قطب‌الدین رحمه‌الله در کتاب خود که شرح شرفیه نبشته در مبحث ثامن برین سخنان اعتراض کرده و بدین عبارت گفته که برده در استعمال ارباب عمل بحسب استقرای نام عبارت از نغماتی بود مرتب بترتیب محدود چنانک بعد شریف غالباً "مستغرق آنها باشد. پس او مرادف جمع باشد. لیکن بعضی از جموع را مثل گردانیده و نوروز و محیر و اصفهانک آواز خوانند و بعضی را ترکیب مانند نوع دوم از دور بزرگ گویند که آن مرکبست از اصفهان و بزرگ و مانند نوع سیم از دور بزرگ که آن مرکبست از حجازی و بزرگو گفته. صاحب شرفیه در ادوار بر ترکیب اعتراض کرده و تقریر او برین وجه باید که در مثال (۳۲ ب) اول گوئیم که آن دور را بسبب ترکیب از اصفهان ذی‌الاربع و بزرگ، ذی‌الخمس مرکب می‌خوانند، پس چرا نگویند که زنگوله مرکب است از غزال و راست و ذی‌الاربع و اصفهان اصل از اصفهان ذی‌الاربع و راست ذی‌الخمس نه برین وجه که او گفته است که چرا راهوی را نگویند که مرکبست از نوروز و حجازی و زنگوله از حجازی و راست و اصفهان اصل از اصفهان و راست چه اول و دوم باطلست چه راهوی مرکبست از نوروز و حجازی نیست و نه زنگوله از حجازی و راست و همچنین ثالث الاآنک باصفهان، اصفهان ذی‌الاربع و براست، راست ذی‌الخمس خواهند و گفته پس واجب آن بودش که همه را برده خوانند و اعتراض صاحب ادوار بحقیقت ساقطست.<sup>۱</sup>

محمدتقی دانش‌پژوه در مورد اثر مزبور قطب‌الدین که گویا شرح شرفیه است چنین می‌نویسد: "او را شرحی است بر شرفیه" ارموی که در مقاصدالالحان مراغی از آن یاد شده و گویا بفارسی است و شاید هم به عربی باشد، چه شاید آن بندی که مراغی ازین

کتاب می‌آورد از عربی ترجمه کرده باشد. ۲

استادان دیگر از جمله فارمر H.G.Farmer<sup>۳</sup>، احمد منزوی<sup>۴</sup>، مجتبی مینوی<sup>۵</sup>، ذبیح‌الله صفا<sup>۶</sup>، رایت D.Wright<sup>۷</sup>، محمدتقی میر<sup>۸</sup> که در باره آثار دانشمندان قدیم فهرستی تهیه کرده‌اند و با درمورد علامه شیرازی تحقیقاتی انجام داده‌اند در تألیفاتشان از شرح شرفیه علامه شیرازی ذکری به میان نیاورده‌اند.

قسمتی که مراغی از شرح شرفیه قطب‌الدین اقتباس کرده است در اصل اعتراض مولانا قطب‌الدین بر نظرات صفی‌الدین بوده و همان قسمت را محمد بن محمود آملی<sup>۹</sup> قبل از مراغی آورده ولی نامی از قطب‌الدین به میان نیاورده است. باز مطلب دیگری در مقاصدالالحان فصل چهارم باب ثالث در بیان بحر آمده است که مراغی قطب‌الدین را صاحب شرح شرفیه صفی‌الدین معرفی کرده است. ۱۰

آیا درحقیقت همانطوریکه مراغی می‌گوید قطب‌الدین شیرازی، شرفیه صفی‌الدین ارموی را شرح کرده است؟ اگر شرح کرده باشد تاکنون آن اثر بدست ما رسیده یا از بین رفته است؟



باتوجه به نکات فوق از کتاب دره‌التاج مولانا قطب‌الدین در بخش موسیقی که تنها اثر بازمانده اوست نتیجه قابل ملاحظه‌ای بدست آورده‌ایم و آن عبارت است از:

۱ - عبارتی که مراغی از مبحث ثامن کتاب موسیقی علامه شیرازی که شامل شرح شرفیه است آورده است عیناً در خاتمه مقاله چهارم در مبحث هشتم بخش موسیقی کتاب دره‌التاج نیز یافت می‌شود. ۱۱

۲ - مطالبی که در مقاصدالالحان در فصل چهارم باب ثالث در بیان بحر آمده مبنی بر اینکه مراغی قطب‌الدین صاحب شرح شرفیه میدانند و در صفحه قبل اشارتی نیز به آن رفته است باز در فصل چهارم مقاله چهارم بخش موسیقی دره‌التاج آمده است. ۱۲

۳ - صاحب دره‌التاج در هیچجا اشاره‌ای به شرح شرفیه صفی‌الدین ارموی نکرده است.

۴ - قطب‌الدین شیرازی بکرات صفی‌الدین را صاحب شرفیه خوانده است نه صاحب ادوار و چنین بنظر می‌رسد که مطالب خود را از شرفیه گرفته است.

برای روشن ساختن نکات ذکر شده بهتر است مطالب رساله شرفیه و بخش موسیقی دره‌التاج باهم مقایسه شود.

## رساله شرفیه ۱۳

المقالة الاولى - في الكلام على الصوت  
ولواحق و ذكر شكوك و ارقه على ما قبل  
فيه .

## درة التاج

مقالته اول - در معنی صوت و لواحق آن  
و ذکر شکوک که بعضی از متأخران براقوال  
متقدمان در آن باب ایراد کرده اند و جواب  
آنها .

المقالة ثانیه - فی حصر نسب الاعداد  
بعضها علی بعض فاستخراج الاعداد و نسبها  
المستخرجه فی نسب مقادیرها و مراتبها  
فی التلایم و التنافر و اسبابها الموضوعة  
فیها .

مقالته دوم - در حصر نسبت اعداد و  
استخراج ابعاد و نسب آنها که تابع نسبت  
مقادیر اوتار بود و مراتب ابعاد در تلایم  
و تنافر و اسامی هریک .

المقالة ثالثه - فی اضافات الاعداد بعضها  
الی بعض و فصل بعضها عن بعض و استخراج  
الاجناس .

مقالته سیم - در اضافات ابعاد به یکدیگر و  
فصل بعضی از بعضی و تقسیم آن باقسام  
متساوی و استخراج ابعاد لحنی از ابعاد  
وسطی و بیان اصول انواع جموع .

المقالة الرابعه - فی ترتیب الاجناس فی -  
طبقات الاعداد العظمی و ذکر نسبتها و  
اعدادها .

مقالته چهارم - در ترتیب اجناس در  
طبقات ابعاد عظام و ذکر نسبت و اعداد  
آن .

المقالة خامسه - الایقاع و نسب ادواره و  
الاشارة الی کیفیت استخراج الالسان  
بالصناعة العملية .

مقالته پنجم - در ايقاع و ادوار آن و  
اشارت به کیفیت صوغ الالغان .

از مطالب مذکور برمی آید که ظاهراً این دو رساله بسیار به هم شباهت دارند و از مطالعه هر دو رساله روشن شده است که قطب‌الدین شیرازی در رساله خود بارها صفی‌الدین ارموی را بعنوان صاحب شرفیه معرفی کرده و از این اثر مطالبی هم اقتباس کرده است و بسیاری از شکل‌های نتها و فواصل و گامها نیز که در درة التاج و شرفیه نشان

داده شده است یکسانند. ازین رو شاید دو رسالهٔ مذکور به هم دیگر ارتباط داشته باشند.

\*\*\*

ضمناً لازم به یادآوری است که نسبت دادن رساله‌های به رسالهٔ دیگر چندان آسان هم نیست. زیرا در قدیم معمول بود که محققان تألیفات مهم متقدمان را مد نظر قرار داده و بر آن شرح و تحشیه می‌کرده‌اند که نمودار تتبع و تفرص و خلافت آنها بوده است. در نتیجه ظاهراً آثار آنها به هم دیگر مشابهت پیدا می‌کند و گاه برای شرح نام دیگر گذاشته می‌شود، مانند زبدهٔ الادوار مراغی که شرح ادوار صفی‌الدین است، ولی در بعضی موارد از ارزش علمی خاصی برخوردار می‌شود.

مثلاً اگر تمام تألیفات فارسی مراغی<sup>۱۲</sup> از جمله جامع‌الالمان، مقاصد‌الالمان و زبدهٔ الادوار با ادوار صفی‌الدین و قسمت موسیقی درهٔ التاج مقابله شود می‌توان اغلب مطالب مراغی را به آنها نسبت داد. نیز آغاز و انجام و بسیاری از مطالب در سه اثر مذکور مراغی یکسان بوده است.

با این حال تمام تألیفات فارسی مراغی از نظر علم موسیقی ایران به دلایل مذکور، مهمترین آثار به‌شمار می‌رود، چون او هم مانند سایر محققان آثار متقدمان را مطالعه نموده و در علم موسیقی سرآمد زمان شده بود و حاصل مطالعات او همان سه اثر مزبور است.

\*\*\*

از بحث‌های فوق این احتمال تقویت می‌شود:

- ۱ - مراغی رسالهٔ موسیقی درهٔ التاج را همان شرح شرفیهٔ صفی‌الدین میدانست.
- ۲ - در مورد یکی بودن رسالهٔ موسیقی درهٔ التاج و شرح شرفیه همهٔ صاحب‌نظران آن آن زمان به توهم افتاده بودند.
- ۳ - قطب‌الدین رسالهٔ دیگر به نام شرح شرفیه نوشته است که با قسمت موسیقی درهٔ التاج شباهت بسیار دارد که متأسفانه تاکنون بدست نیامده است.

از نتایج فوق چنین برداشت می‌کنیم:

هرگاه نتیجهٔ شماره ۱ با ۲ حقیقت داشته باشد (در حالیکه علامهٔ شیرازی بخش موسیقی درهٔ التاج را بعنوان شرح شرفیه عرضه نکرده باشد) نکتهٔ مهم اینست که عبدالقادر مراغی که از بزرگترین صاحب‌نظران موسیقی ایرانی است آن بخش را شرحی از شرفیه پنداشته است.

اگر نتیجهٔ شماره ۳ باستناد مشابهت‌هایی که شرح شرفیهٔ مولانا قطب‌الدین بسا

مقالات موسیقی درة التاج دارد در نظر بگیریم شاید بتوان در بعضی موارد قسمت موسیقی درة التاج را بجای شرح شرفیه مورد استفاده قرار داد و بخصوص باتوجه باینکه کتاب شرح شرفیه به فارسی پیدا نشده است قسمت موسیقی درة التاج بسیار قابل ملاحظه است. باشد که روزی رساله موسیقی به نام شرح شرفیه از قطب الدین شیرازی بدست ما برسد.

\*\*\*

### پاوردی

- ۱ - ص ۶۰-۵۹ مقاصدالالمان بتصحیح تقی بهنش، چاپ دوم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶.
- ۲ - ص ۱۳۰ نمونه‌ای از فهرست آثار دانشمندان ایرانی و اسلامی در غنا و موسیقی، فرهنگ و هنر، ۱۳۵۵.
- ۳ - The Sources of Arabian Music. Leiden 1965, p. 51
- ۴ - فهرست نسخه‌های خطی فارسی، جلد پنجم.
- ۵ - نقد حال، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۱، ص ۲۸۶-۳۴۴.
- ۶ - تاریخ ادبیات در ایران، انتشارات دانشگاه.
- ۷ - The Modal System of Arab abd Persian Music A.D. 1250-1300. Oxford 1978
- ۸ - شرح حال و آثار علامه قطب الدین محمود بن مسعود شیرازی، دانشگاه شیراز، ۱۳۵۶.
- ۹ - ص ۱۰۱ نفایس الفنون فی مرایس العیون، جلد سوم، تهران، ۱۳۷۹.
- ۱۰ - ص ۵۴ مقاصدالالمان، چاپ دوم.
- ۱۱ - ص ۱۱۶ درة التاج، بخش دوم، وزارت فرهنگ، ۱۳۲۲.
- ۱۲ - ص ۸۵ درة التاج، بخش دوم.
- ۱۳ - نسخه کتابخانه ملی تهران، شماره ۱/۱۵۵۶.
- ۱۴ - عبدالقادر مراغی کتاب ادوار صفی الدین ارموی را به ترکی ترجمه کرده است اما این اثر خارج از این بحث است.